

تاریخ مراحل هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق در قرن بیستم

کوسار رشید امین^۱، حسن بلخاری قهی^۲، سید محمد فدوی^۳

^۱گرایش پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شهر تهران، ایران.
^۲گرایش پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، گروه ارتباط تصویری و عکاسی، پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران، شهر تهران، ایران.

Corresponding author's e-mail: Hasan.bolkhari@ut.ac.ir

چکیده

در نوشتار حاضر تاریخچه مراحل هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق در قرن بیستم به عنوان پیکره مطالعاتی بررسی شده است و پژوهشگر تلاش می کند به این پرسش پاسخ دهد که هنر نقاشی مدرن از چه تاریخی و طی چه مراحل و از چه راه هایی وارد اقلیم کردستان شده است؟ در پایان این نتیجه حاصل شد که این هنر در اقلیم دو مرحله را پشت سر گذاشته است: ابتدا در نیمه اول قرن بیستم (۱۹۰۰)، هنر نقاشی بیشتر یک هنر غیرآکادمیک و مردمی بوده. بعد از نیمه دوم قرن بیستم (۱۹۵۰ به بعد)، علاوه بر وجود هنر مردمی، سبک های هنر نقاشی مدرن و آکادمیک، غالباً از سه راه وارد عرصه هنر این اقلیم شده است. ابتدا از راه هنرمندانی که به کشورهای اروپایی و آمریکا رفته اند و با سبک های مختلف هنر نقاشی مدرن آشنا شده اند. راه دیگر از جانب آن هنرمندان که در رشته هنر نقاشی در دانشگاه بغداد مشغول به تحصیل بوده اند، راه سوم از نقش و نگارهای سنتی و دست بافته های مثل قالی و گلم و فرش، و ... روش تحقیق، از منظر هدف، بنیادی-نظری و از منظر شیوه، توصیفی تحلیلی، با رویکرد تاریخی است. شیوه جمع آوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه ای و میدانی است.

واژه های کلیدی: هنر نقاشی اقلیم کردستان، اقلیم کردستان، تاریخچه هنر نقاشی اقلیم کردستان، مراحل نقاشی در کردستان.

الملخص

في هذه الورقة، قمنا بدراسة تاريخ المراحل الفن الرسم في اقليم كردستان العراق في القرن العشرين، لتبين منذ متى وعبر أي مراحل وبأي طرق دخل فن الرسم إقليمي كردستان؟ في النهاية استنتج أن هذا الفن في المناخ مر بمرحلتين نتائج البحث إلى أن هذا الفن في الإقليم تخطى مرحلتين: ففي النصف الأول من القرن العشرين (١٩٠٠ فصاعداً)، كان فن الرسم في الغالب فنّاً شعبياً غير أكاديمي. وبعد النصف الثاني من القرن العشرين (١٩٥٠ فصاعداً)، بالإضافة إلى وجود الفن الشعبي دخلت الإقليم أساليب الرسم الحديث والأكاديمي من طرق ثلاثة وهي: أولاً، من قبل الفنانين الذين ذهبوا إلى أمريكا والدول الأوروبية وتعرفوا على مختلف الأساليب لفن الرسم الحديث، ثم رجعوا إلى الإقليم. وثانياً من طريق الفنانين الذين درسوا فن الرسم بجامعة بغداد، وأخيراً عبر الرسوم التقليدية والمنسوجات اليدوية كالسجاجيد والبسط... إلخ. واتبعنا في هذه الدراسة، الوصفي التحليلي التاريخي وقمنا بجمع المعلومات من الكتب والأبحاث وعن طريق الملاحظة والتجربة أيضاً.

الكلمات المفتاحية: فن الرسم في اقليم كردستان، اقليم كردستان، تاريخ الفن الرسم في اقليم كردستان، مراحل الرسم في كردستان.

گوڤاری زانکوی هه‌له‌بجه: گوڤاری زانسی نه‌کادیمیه زانکوی هه‌له‌بجه ده‌کات	
به‌رگ	٦ ژماره ٣ سالی (٢٠٢١)
رێنکه‌وته‌کان	رێنکه‌وته‌ وه‌رگرتن: ٢٠٢١/٥/٢٧ رێنکه‌وته‌ به‌سه‌ندکردن: ٢٠٢١/٦/٢١ رێنکه‌وته‌ ب‌لا‌و‌کردنه‌وه: ٢٠٢١/٩/٣٠
نیمه‌لی توتیژه‌ر	Hasan.bolkhari@ut.ac.ir
ماڤ چاپ و ب‌لا‌و‌کردنه‌وه	© ٢٠٢١ عه‌بدولسه‌لام فاتیح عه‌بدولرهمان، پ. ی. د. سه‌باح ستار سه‌عید، گه‌یشتن به‌م توتیژه‌وه‌یه‌ کراوه‌یه له‌ژێر ره‌زامه‌ندی CCBY-NC-ND 4.0

Abstract

The current paper attempted to study the history of painting art stages in the Iraqi Kurdistan region during the twentieth century as a corpus of study. Here, the researcher tries to answer these questions: from what date, through what stages, and in what ways did the art of painting enter the Kurdistan region? The results of the study showed that painting art has gone through two major stages in Kurdistan. First, during the first half of the twentieth century (1900), the painting was primarily non-academic and folk art. Then, during the second half (1950 onwards), other than the exitance of the folk painting art, modern and academic painting styles have also entered the field of the Kurdistan region's art through three ways. These ways were: first, through those artists who have visited European countries and the US and became acquainted with different modern painting styles. The second way was by those artists who studied painting at Baghdad University, and the third way is through traditional patterns and handmade items such as carpets, kilims, rugs, etc. The research method is basic-theoretical in terms of purpose and descriptive-analytical regarding the method with a historical approach. Literature review and observation were two data collection techniques of the study.

Keywords: the art of painting in the Kurdistan region, the Kurdistan region, the history of art painting in the Kurdistan region, Painting stages in Kurdistan.

مقدمه

امروزه هنرهای تجسمی از جمله هنر نقاشی در دنیا وسیله افتخار و معیار مهمی برای پیشرفت جوامع انسانی محسوب می-شود. هنر نقاشی اقلیم کردستان هم، جغرافیای کردستان را پشت سر گذاشته و به فراسوی مرزهای این اقلیم رسیده و به یک هویت هنری منطقه ای و جهانی دست یافته است. هنرمندان اقلیم کردستان عراق نیز مانند هنرمندان کشورهای دیگر منطقه و حتی جهان از امواج مختلف هنر مردمی و جهانی و مدرن بی-نصیب نمانده-اند، و در وسعت و گسترش این هنر جهانی بهره-ها جسته-اند.

اقلیم کردستان از تنوع جغرافیایی بسیاری برخوردار است و کوه ها، دشت ها، بیابان های کوچک و جنگل هایی را شامل می-شود. البته کوه و دشت و جنگل های این اقلیم، وسیع-تر از بیابان-های کوچک موجود در آن است. بنابراین کردستان بیشتر منطقه-ای سرسبز و رنگارنگ است که این تنوع رنگ های طبیعت، بر آثار نقاشی هنرمندان این سرزمین تأثیر فراوانی گذاشته است. اقتباس از رنگ های طبیعت کردستان در هنر نقاشی اقلیم چه در دوره غیرآکادمیک و مردمی و چه در دوره آکادمیک و مدرن دیده می-شود که گاه هنرمند آگاهانه این اقتباس را انجام می-دهد و گاهی به صورت ناخودآگاه در آثار هنری او نمود می-یابد. در هنر نقاشی اقلیم کردستان می-توان اصالت فرهنگی ملی و بومی را دید، هر چند در این میان آثاری نیز هستند که هیچ اصالتی ندارند.

در این تحقیق تاریخچه هنر نقاشی اقلیم کردستان در قرن بیستم مورد بررسی و مطالعه قرار می-گیرد و در همین راستا به بررسی موضوعات زیر نیز پرداخته می-شود: شناخت هنر و هنرمندان اقلیم کردستان با بررسی و مطالعه آثار آنان در طول یک قرن؛ بیان تفاوت-های آثار هنری در نیمه اول و دوم این قرن از لحاظ موضوع، بیان و تکنیک؛ و ارزیابی هنر نقاشان اقلیم کردستان در بهره گیری از سبک

ها و مکاتب های مختلف نقاشی. از جمله رئالیسم (Realism)، امپرسیونیسم (Impressionism)، سوررئالیسم (Surrealism)، اکسپرسیونیسم (Expressionism)، کوبیسم (Cubisme)، اکسپرسیونیسم انتزاعی (Abstract Expressionism) و . . .

اهمیت پژوهش:

نتیجه این پژوهش، به ویژه در دوره کنونی می تواند در اقلیم کردستان جنبه های مختلفی قابل اهمیت و مفید باشد، از جمله:

۱. معرفی تاریخچه هنر نقاشی و هنرمندان اقلیم کردستان به فارسی زبانان.
۲. گامی برای پرکردن خلأهای پژوهشی موجود در زمینه تاریخ نگاری هنر نقاشی در اقلیم کردستان.
۳. راهنمایی و ایجاد انگیزه برای پژوهشگران و نویسندگان کرد، برای تحقیق و پژوهش بیشتر در این زمینه.
۴. ایجاد انگیزه کار در این زمینه برای محققان و پژوهشگران و دانشجویان غیر کرد.

سوال پژوهش:

در این پژوهش به یک سؤال درباره مراحل هنر نقاشی اقلیم کردستان پاسخ می-دهیم تا از این طریق حداقل به یک نتیجه ی نسبی برسیم و اهداف تحقیق به صورت روشن تری نمایانده شود. سؤال تحقیق عبارت- است از:

۱. مراحل هنر نقاشی صد ساله اخیر اقلیم کردستان در قالب چه سبک هایی ظهور کرده است؟

فرضیات سوال پژوهش: تحلیل تاریخی نقاشی صد سال اخیر اقلیم کردستان عراق نشان می دهد این نقاشی ها ضمن اهتمام به هویت کردی دارای سبک و شیوه های خاص هنری هستند. به علاوه می توان گفت: هنر نقاشی و به ویژه نقاشی مدرن غالباً از سه طریق وارد عرصه هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق شده است. ابتدا توسط هنرمندانی که به اروپا و امریکا رفته اند و با سبک های مختلف هنر نقاشی آشنا شده اند؛ دوم از طریق هنرمندانی که در رشته هنر نقاشی در هنرکده و دانشگاه بغداد مشغول به تحصیل بوده اند؛ و سوم از راه نقش و نگارهای سنتی به کاررفته در صنایع دستی و خاصه در بافته های دستی و سنتی چون قالی، قالیچه، گلیم و جاجیم. آن چه که از این سه طریق حاصل شده است، یک هنر را به نام هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق به وجود آورده است.

به نظر می-رسد تمام سبک-های مختلف هنر نقاشی سنتی و مدرن بر نقاشی اقلیم کردستان مؤثر بوده باشند، اما سبک آبستراکت (انتزاعی) بیشترین تأثیر را بر نقاشی اقلیم کردستان داشته است. با این حال، آثار نقاشی اقلیم کردستان از دیگر آثار کشورهای مختلف قابل تشخیص است. روند اقتباس نقاشان اقلیم کردستان از هنر کشورهای دیگر و هنر مدرن غرب گاهی آگاهانه و عمدی و در مواردی هم به صورت طبیعی و ناخودآگاه صورت گرفته است. همچنین بین هنرهای سنتی و هنر نقاشی مدرن تلفیقی ایجاد شده است.

روش تحقیق: بر اساس هدف تعریف شده برای این پژوهش، روش تحقیق به صورت بنیادی و به طور دقیق، بنیادی-نظری است. چراکه اطلاعات و مواد اولیه تحلیل به روش کتابخانه ای، میدانی، و مصاحبه ای گردآوری شده و سپس مورد تحلیل قرار گرفته است. از نظر ماهیت و روش، این پژوهش هم تاریخی است و هم توصیفی-تحلیلی.

پیشینه پژوهش: پژوهش در این موضوع (مبانی و ضرورت تدوین تاریخ هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق در قرن بیستم) تاکنون چه در ایران و چه در کشور عراق و حتی در اقلیم کردستان نیز بی سابقه بوده، و در هیچ مجله یا دانشگاهی چنین موضوعی صورت نگرفته است. در دانشگاه تهران و در کشور عراق و اقلیم کردستان نیز درباره هنر نقاشی اقلیم کردستان پژوهش های شده است. بعنوان مثال: (پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد (ابراهیم زوراب، ۱۳۹۴)، دانشگاه تهران، گروه نقاشی. شامل زمینه نقد و بررسی دیوار نگاری بود در شهر سلیمانیه، پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد (سعید عابد، ۱۳۹۴)، دانشگاه تهران، گروه نقاشی. شامل بررسی و تاریخ نگاری آثار شرفخان بدلیسی بود در کتاب شرفنامه، پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد (آکو حمه خسرو، ۱۳۹۳)، دانشگاه تهران، گروه نقاشی.

شامل آموزش هنری بود در مدارس ابتدایی اقلیم کردستان، پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد، (آودیر عثمان باقی، ۱۳۹۴)، دانشگاه تهران، گروه نقاشی. شامل جینوساید و مונمنت بود در اقلیم کردستان، پایان نامه دانشجوی کارشناسی ارشد، (کوسار رشید امین، ۱۳۹۲) دانشگاه تهران، گروه نقاشی. شامل بررسی و تحلیل گرایش های هنر مدرن در آثار نقاشان معاصر اقلیم کردستان عراق ۱۹۸۰-۲۰۱۰ و پایان نامه ها و رساله های دیگری در دانشگاه های اربیل و سلیمانیه در اقلیم کردستان، کار پژوهش گران و محققان چون: وهبی رسول، جزا بکر، هاوری انور، نبز بابان، آوات سعید، سام و ... که بیشتر در زمینه های تکنیک و موضوع و کمپزیشن و مشخصات فرم و آثار نقاشان کار کرده اند.) اما درباره چنین موضوعی (تاریخ مراحل هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق در قرن بیستم)، هیچ تحقیقی صورت نگرفته است، و برای اولین بار تلاش می-شود روی چنین موضوعی تحقیق شکل گیرد. بنابراین موضوع مذکور، یک موضوع جدیدی است.

محدوده زمانی و مکانی تحقیق

این مقاله در محدوده مکانی (اقلیم کردستان عراق)، و در محدوده زمانی (قرن بیستم)، صورت پذیرفته است.

اهداف تحقیق

این تحقیق، تلاشی است برای معرفی تاریخ مراحل هنر نقاشی اقلیم کردستان عراق در قرن بیستم؛ که هدف از این امر بررسی و تحلیل آثار هنرمندان و بررسی سبک و تکنیک به کار گرفته شده در آثار نقاشان اقلیم کردستان عراق-باشد با یک رویکردی تاریخی. در نهایت تلاش نگارنده در پرداختن به این تحقیق آن است که آیا این هنرمندان توانسته اند هویت ملی و بومی اقلیم کردستان عراق را به عنوان شاخصه-ی اساسی ارائه دهند.

هدف دیگر محقق در این موضوع شناسایی بیشتر ملت کرد در اقلیم کردستان و عرصه های هنری آن است به جامعه-ی هنری. نکته دیگر ایجاد باز کردن راه را برای انجام تحقیقات بیشتر در این زمینه، زیرا از این راه به ارتباط هنری و تبادلات فرهنگی بیشتری خواهیم رسید. نتیجه، در این تحقیق تاریخچه مراحل هنر نقاشی اقلیم کردستان در قرن بیستم بررسی و مطالعه می-کنیم. شناخت هنر و هنرمندان اقلیم کردستان با بررسی و مطالعه آثار آن-ها در طول (۱۰۰) سال و تفاوت-های آثار هنری میان این مراحل از لحاظ موضوع و چه از لحاظ بیان و تکنیک و ... و ارزیابی هنر نقاشان اقلیم کردستان در پیروی از شیوه-های مختلف نقاشی و مکاتب مختلف، از اهداف دیگری است که در این پژوهش به دنبال آنیم.

کردستان عراق (ویلايت موصل)، پس از فروپاشی امپراطوری عثمانی

پس از جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراطوری عثمانی، این منطقه نیز همچون سایر متصرفات متفقین در خاورمیانه، به قیمومیت آن-ها درآمد. بر طبق توافق نامه سایکس-پیکو (Sykes-Picot Agreement) که به طور محرمانه و در سال ۱۹۱۶ میان فرانسه و بریتانیا به امضا رسید، عراق به صورت بخشی از قلمرو اشغالی بریتانیا درآمد و تحت نظارت آن اداره می-شد. به این ترتیب که در سال ۱۹۲۰ از به هم پیوستن سه ایالت منطقه میانرودان، یعنی ایالت های بصره، بغداد و موصل و با حمایت بریتانیا و سایر متفقین، کشور عراق تشکیل شد. یک سال بعد از تشکیل کشور عراق، ملک فیصل با حمایت بریتانیا و با رای گیری عمومی به پادشاهی عراق انتخاب شد و اقلیم کنونی کردستان در آن زمان، ایالت موصل عثمانی به شمار می-آمد. (نعمتی قزوینی، ۱۳۹۲: ۴۸)

هنر نقاشی اقلیم کردستان در ابتدای قرن بیستم

ویژگی های اساسی هنر نقاشی در ابتدای قرن بیستم در اقلیم کردستان وجود یک هنر غیرآکادمیک مردمی است که تقریباً تا پایان نیمه دوم این قرن ادامه داشته است. از نظر مکانی هم بیشترین فعالیت های هنر نقاشی در اقلیم کردستان در شهر هولیر (اربیل) و سلیمانیه بوده است، اما شهر دهوک (که در سال ۱۹۶۹ تبدیل به استان شده است) به علت دوربودن از شهرهای دیگر کردستان و فضای بسته این شهر از لحاظ اجتماعی، دیرتر فعالیت های هنر نقاشی را آغاز کرده است (رسول، ۲۰۱۰).

با بررسی تاریخچه هنر نقاشی در اقلیم کردستان و به طور عمومی در کل عراق درمی یابیم که هنر نقاشی نه فقط در کردستان بلکه در تمام کشور عراق از شهر سلیمانیه سرچشمه گرفته است. شهر سلیمانیه نسبت به شهرهای نزدیک اش از لحاظ تاریخی یک شهر نو است و تاریخ تأسیس آن به سال ۱۷۸۴ میلادی بازمی گردد، که هم زمان با امارت خاندان بابان بوده است. قدیمی ترین تاریخ برای نقاشی کشیدن در کردستان که می توان به آن اشاره کرد، به فعالیت های هنری یک سرباز ارتش عثمانی در شهر سلیمانیه برمی گردد. «در سال های آغازین قرن بیستم در شهر سلیمانیه، یک نقاش به نام عوسمان بگ (که زادگاه و سال تولدش معلوم نیست)، به قبرستان های شهر می رفت و از زنانی که برای زیارت به قبرستان ها می آمدند و میان گلزار و روی چمن و سبزی می نشستند، نقاشی می کشید. در آن زمان مردم این ظاهره را به عنوان یک پدیده ناهنجار و عجیب به شمار می آوردند و زنان در همه جا از آن صحبت می کردند. اما تاکنون هیچ تابلویی از این هنرمند به دست ما نرسیده است» (پیربال، ۲۰۰۶: ۶۹). در کتاب (۲۵ شیوه کار- ۲۵ نقاش)، آمده است: «آغاز تاریخ هنر نقاشی در اقلیم کردستان به حدود سال ۱۹۱۴ برمی گردد. زمانی که تعدادی از نقاشان ایرانی به سلیمانیه آمده بودند، پس از گشتن و بازدید زیاد در داخل شهر، نتیجه این نقاشان تصمیم می گیرند در یک حمام عمومی شهر سلیمانیه (بنام حمام صورت)، تعدادی از نقاشی های زیبا را بکشند. این نقاشان تمام وسائل نقاشی را همراه خود از ایران آورده بودند. این امر باعث شد مردمانی زیادی این حمام را باز دید کنند و در نتیجه مردم نقاشان را برای نقاشی و رنگ کاری و تزئینات به خانه های خود دعوت می کردند، این امر باعث شد در آن زمان، مردم بیشتر هنر نقاشی را مورد اهمیت قرار دهند.» (سعید، ۲۰۱۳: ۵) بنا براین میشود این حرکت را به آغاز شناسایی هنر نقاشی در شهر سلیمانیه دانست. مدت نسبتاً کوتاهی قبل از این تاریخ یعنی در سال ۱۹۱۰ به بعد، زمان ظهور هنرمندانی در کردستان است که آثارشان کم و بیش، در دسترس است و تاریخ فعالیت ها و اطلاعاتی درباره مراحل کارکردن و زندگی شان تا حدودی معلوم است. یکی از پدیده های مهم که پس از سال ۱۹۲۰ در زمینه نقاشی به ثبت رسیده است، آثار هنرمند و نویسنده گرد حسین حزن مکرانی (حسین سید عبداللطیف، متخلص به حزن مکرانی (۱۸۸۰ سابلخ- ۱۹۴۷ بغداد)، است (تصویر ۱). این هنرمند و نویسنده از نخستین نویسنده های کرد معاصر است که به هنرهای تجسمی از جمله: نقاشی، عکاسی، صفر (کنده کاری گرافیک) و... اهتمام ورزیده است (پیربال، ۲۰۰۷). همچنین مسافرت هنرمندان برجسته ای چون حسین حزن مکرانی، حسن فلاح (۱۹۱۰ سلیمانیه - ۱۹۷۶ بغداد)، عزیز سلیم (۱۹۱۵ سلیمانیه- ۲۰۰۴ هولیر)، خالد سعید (۱۹۲۷-۱۹۹۶) و دیگران، به خارج از کشور موجب اثرپذیری آنان از پیشرفت های هنری فراسوی مرزها و پربار شدن آثار آنان گشته است. سپس این هنرمندان در تحولات هنری کشور خود نقش به سزایی داشته و بر سایر هنرمندان اثر گذاشته اند. در این میان، بیشترین تأثیرات را برجا گذاشته است. «حسین حزن مکرانی در آن زمان یعنی در دهه سوم قرن بیستم، با یاد گرفتن مهارت ها و هنرهای متعدد در فرانسه، و سپس انتقال این اندوخته های ارزشمند توانسته است هنر گرافیک و مطبوعات را وارد کردستان و خاصه شهر رواندوز کند و یک کتاب نیز در آن زمینه بنویسد و در سال ۱۹۳۴ به چاپ برساند بنام (وینه گری و کولین - عکاسی و چاپ دستی)، (تصویر ۲). وی با این کار حدود سی سال پیش از پیدایش هنر گرافیک در عراق (بغداد)، آن را به کردستان (شمال عراق)، آورده است» (رسول، ۲۰۰۹: ۹). بنابراین، هنر گرافیک که امروزه یک هنر مدرن است، پیش از کشور عراق، در اقلیم کردستان رایج بوده است. وی با بهره مندی از چنین توانمندی هایی در هنر و به ویژه در نقاشی، علاوه بر تزیین و آرایش کتاب های خود به تابلو و نقاشی های متنوع، تزیین کتب نویسندگان دیگر را نیز انجام می داد و در چاپخانه خود به چاپ می رسانید. نخستین کتابی که در تاریخ ادبیات گوردی معاصر دارای

تصویر و نقاشی که به چاپ رسیده و منتشر شده است، کتاب غونچه‌ی بهارستان از همین هنرمند است که در سال ۱۹۲۵ از سوی انتشارات زاری کرمانجی در شهرستان رواندوز منتشر شده است. در این کتاب، بیش از بیست نقاشی و طراحی درباره‌ی کرد و کردستان و رهبرهای تاریخی کرد، به همراه چندین نقشه جغرافیایی به قلم همین هنرمند دیده می‌شود. از این پس، کتاب‌هایی نظیر وینه‌گیری و کولین: نگارگری و کنده‌کاری، خوشی و ترشی: راحتی و ناراحتی و مهر و مروت: بره کوچولو و بز کوچولو در دهه‌ی سوم قرن بیستم به طراحی و نقاشی تزیین شده است (رسول، ۲۰۱۰). بدین ترتیب، گام اول در زمینه‌ی استفاده از نقاشی و طراحی در کتاب و مجله و روزنامه‌ها برداشته شده است (همان).

در شهر اربیل نیز تنها هنرمند نقاش که از سال ۱۹۲۰ به بعد به نقاشی پرداخته است، هر چند هیچ آثاری از وی بر جا نمانده، هنرمندی است به نام جهانگیر (که یکی از نقاشان شهر اربیل می‌باشد و متأسفانه هیچ اطلاعاتی درباره زاد روز و مرگش در دسترس نیست). این نقاش با رنگ‌روغن معمولی بر روی دیوار مغازه‌ها و گاراژها نقاشی کشیده است. در کتاب پیرداود آمده است: «در سال ۱۹۲۰ در شهر هولیر، هنرمندی وجود داشت که نقاش بسیار چیره‌دستی بود. او نقاشی می‌کشید و آثار خود را به ثروت‌مندان و صاحبان قهوه‌خانه‌ها می‌فروخت و از این طریق امرار معاش می‌کرد» (پیرداود، ۱۹۹۷: ۷۸).

هنرمند کرد سلیمان شاکر نقاش و نویسنده، درباره موضوع تابلوهای جهانگیر می‌گوید: «موضوعاتش جلوه طبیعت کردستان و زیبایی‌های کردستان بود، همچنین تبلیغات بازرگانی برای کالاهایی چون لاستیک و لوازم یدکی ماشین را بر روی دیوار ترمینال‌ها می‌کشید» (شاکر، ۱۹۹۸: ۲۴).

از دهه سوم قرن بیستم به بعد، زمانی است که نخستین هنرمندان کرد در زمینه هنر نقاشی ظاهر شده‌اند. هنرمندانی که تأثیرات شایانی بر جا گذاشته‌اند و نمونه کارهایشان باقی مانده است. از معروف‌ترین این هنرمندان می‌توان به حسن فلاح (۱۹۱۰ سلیمانیه - ۱۹۷۶ بغداد)، و عزیز سلیم (۱۹۱۵ سلیمانیه - ۲۰۰۴ هولیر)، در شهر سلیمانیه و دانیال قصاب در شهر هولیر (اربیل) اشاره کرد (تصاویر ۳). دانیال قصاب یکی از نقاشان معروف و چیره دست اقلیم کردستان، (به دلیل اینکه یهودی بوده به اسرائیل مهاجرت کرده است)، می‌توان گفت که هنرمند دانیال قصاب به پیشرو هنر نقاشی محسوب می‌شود در کردستان (به ویژه در شیوه آکادمیک). این هنرمندان، به جز دانیال قصاب که درباره وی اختلاف نظر وجود دارد، همگی به صورت فردی و با تلاش و کوشش شخصی، هنر را آموخته‌اند و در مؤسسات هنری تحصیل نکرده‌اند. موضوع تابلوهای آنان غالباً شامل مناظر طبیعی، شخصیت‌ها و برخی از موضوعات اجتماعی شده است و کمتر به موضوعات تاریخی پرداخته‌اند. هر دو هنرمند حسن فلاح و عزیز سلیم نقاشی‌های بسیاری بر روی دیوار قهوه‌خانه‌ها و منازل مسکونی کشیده‌اند. هنرمند نقاش شهر سلیمانیه، علی کریم می‌گوید: «حسن فلاح دارای توانایی شگفت‌انگیزی بوده است. وی نقاشی بدن انسان را از کشیدن پاها شروع می‌کرد و مردم به دور او جمع می‌شدند و به دستش نگاه می‌کرده‌اند» (رسول، وهبی ۲۰۰۵: ۲۱).

حسن فلاح در کشیدن تابلوی نقاشی (جنگ دربند بازیان) به فرماندهی (شیخ- محمود حفید) در مقابله با انگلیس‌ها معروف بوده است، حسن فلاح چندین بار این موضوع را به گونه‌های متفاوت و با رنگ‌های مختلف کشیده است (تصاویر ۴). وی همچنین نقاشی روستاهای کردستان را کشیده است. هنرمند عزیز سلیم چون نسبت به حسن فلاح عمر طولانی تری داشت، دارای فرصت بیشتری بوده و فعالیت‌ها و مسافرت‌های خارجی بیشتری داشته است که پیشرفت گسترده‌تری در شیوه کار و آثار هنری وی را به دنبال داشته است. عزیز سلیم نخستین هنرمند کرد است که نمایشگاه خصوصی برگزار کرده است. این نمایشگاه در سال ۱۹۳۲ میلادی در قبرستان شیخ جعفر در شهر سلیمانیه برپا شد (رسول، ۲۰۱۰).

عزیز سلیم بیشتر از رنگ‌روغن و کاردک استفاده کرده است و یکی از هنرمندانی بود که به صورت کلی به طبیعت و پرتره اهمیت می‌داد و بیشترین آثارش با رنگ روغن انجام شده است. آثار پرتره‌های این نقاش عبارت بودند از: (پرتره حفصه خانم نقیب، شیخ محمود حفید (برزنجی)، شیخ جلال حفید (شیخ جلال حفید، برادر شیخ محمود حفید ملک کردستان)، پیره میرد شاعر و ... غیره). در طبیعت

نیز دارای نقاشی های بسیاری از جمله (شقلوا، سرچار)، است، (تصاویر ۵). همچنین بسیاری از اثر این هنرمند از زمانی نقاشی شده که هنرمند در آنجا زندگی می کرده است. (همان)

دانیال قصاب در وسط دهه چهارم، توانایی هنری اش به اوج شکوفایی می رسد و شهرت فراوانی کسب می کند. سپس با توجه به این که یهودی بوده، در وسط دهه پنجم به اسرائیل مهاجرت می کند. وی تأثیرات بسیاری نه فقط در اربیل و کردستان بلکه در بغداد و تمام عراق نیز بر جا گذاشته است. فعالیت هنری دانیال قصاب از سال ۱۹۳۶ تا نیمه دهه پنجم در هولیر و بغداد ادامه داشته است. او علاوه بر فعالیت های ویژه خود، تعدادی شاگرد را آموزش داده که پس از او حرکت هنر نقاشی را در هولیر ادامه داده اند. دوره پس از این سه هنرمند مشهور، دوره ای است که آثار نقاشی غالباً در تقلید از تابلوهای مشهور در کشورهای دیگر خلاصه شده است. هنر این دوره بر مبنای اصطلاح الأمشق پایه گذاری شده است، (الأمشق، به معنی نقاشی کشیدن بر اساس تقلید (کپی) کردن از روی نقاشی دیگر است و نه به طور مستقیم و در برابر طبیعت. این واژه از «مشق» برگرفته شده است. هنرمندان در این دوره یاد می گرفتند که چگونه از تابلوهای جهانی تقلید کنند و گاه در نقاشی هایی با مضامین مربوط به فرهنگ گردی از تصویر (فتوگرافی) استفاده کرده اند. پس از این مرحله هنرمندان یاد گرفته اند که چطور یک موضوع گردی در نقاشی را به شیوه آکادمیک بر روی بوم اجرا کنند. این روش از نقاشی به طور عام تا آخر دهه ششم و ابتدای دهه هفتم و به صورت محدود تا اوایل دهه هشتم قرن گذشته ادامه داشته است. معروف ترین هنرمند گرد این دوره در سلیمانیه جمال بختیار (۱۹۲۷ سلیمانیه) است، که در دهه نهم این قرن به آمریکا رفته و در آنجا هنر خود را به شیوه آکادمیک ادامه داده است (تصاویر ۶). همچنین فتح الله کریم (۱۹۳۰-۱۹۹۶ سلیمانیه) نقاش و مجسمه ساز، نمونه دیگری از این هنرمندان است که در این مرحله هنری در شهر سلیمانیه، از تصویر فتوگرافی و کار هنرمندان قبل از خود و گاهی اوقات نیز از تابلوهای جهانی استفاده کرده است. فرهنگ بومی و طبیعت و روستاهای کردستان و رخدادهای پیرامون، یکی از مصادر نقاشی های او بوده است. نمونه دیگری از هنرمندان این دوره، جواد رسول ناجی (۱۹۲۲-۱۹۷۵ هولیر، مجسمه ساز، نقاش، کارگردان و بازیگر تئاتر، طراح صحنه و معلم هنر)، در شهر اربیل است که بسیاری از کارهای هنری او از بین رفته اند. به علاوه، وی بیشتر مشغول کار آموزش هنری بوده است. (همان)

نمونه متأخر از این روش نقاشی، نقاشی های کریم دیار (۱۹۲۵ کویه، هولیر) است. عنصر اساسی نقاشی های این هنرمند طبیعت زیبا، کوه و دشت و آب و درخت است. وی در این باره می گوید: «طبیعت استاد بزرگ و یگانه من است» (رسول، ۲۰۱۰: ۴۰۶).

دهه چهارم تا هفتم قرن بیستم به دوره فعالیت هنرهای مغازه ای شناخته شده است که هنرمندان برای امرار معاش به انجام کارهای هنری از جمله خوش-نویسی، نقاشی، گرافیک و دیوارنگار در مغازه ها و دکان ها می پرداختند. این کارهای هنری که به شیوه زنده اجرا می شد در ملی ساختن هنر نقاشی تأثیرات ویژه ای داشته است. به علاوه، در این مرحله هنرمندانی وجود داشته اند که به شیوه های مختلف کار کرده و از تأثیرات سبک های هنری آن زمان دور بوده اند. به عنوان مثال انور سینو تووی (۱۹۲۷ بامرنی، دهوک- ۱۹۹۴ بغداد)، نقاش، طراح صحنه، کارگردان تئاتر، که یک هنرمند شهر دهوک بوده و طراحی را به عنوان سبک کارهای خود انتخاب کرده است. بعد از این مرحله، مرحله فعالیت هنری بر اساس تحصیل آکادمیک شروع شده و هنرمندان نقاش گرد در دهه پنجم قرن بیستم به دانشکده هنرهای زیبای بغداد رفته اند. نخستین دانشجوی گرد که وارد دانشکده هنرهای زیبای بغداد شده، بدیع حسین باباجان (۱۹۲۳ کرکوک- ۱۹۹۶ بغداد) گرافیکست و نقاش است، که در گروه نقاشی این دانشکده تحصیل کرده است. بیشتر کارهای هنری این هنرمند در سلیمانیه و بغداد انجام شده است. بدیع باباجان به طراحی هایش از شخصیات های برجسته گرد از جمله شعرا کلاسیک، روشنفکران و نویسندگان برجسته کردستان شناخته شده است، علاوه بر این هنرمند نقاش بدیع باباجان نماد و لوگو را برای چندین شرکت و موسسه و حتی تعدادی از وزارت خانه های آن زمان ساخته است. همچنین طراحی واحد پول عراق (دینار) و ساخت سکه یکی دیگر است از کار های این هنرمند (تصاویر ۷). (سعید، ۲۰۱۰)

سپس هنرمندان دیگری از جمله «خالد سعید، آزاد شوقی (۱۹۲۹-۲۰۰۲)، از شهر سلیمانیه و سلیمان شاکر و ادوارد ولیم هنرمند و نقاش

شهر اربیل، و ساوه الیاس هنرمند و نقاش شهر دهوک، در سال ۱۹۵۳ از دانشکده هنرهای زیبای بغداد در رشته نقاشی دانش آموخته شده‌اند. هنرهای تجسمی گروستان توسط این دانشجویان و گروه‌های دیگر، وارد مرحله جدید شده و تکنیک‌های مختلف و استفاده از مواد متفاوت در هنر نقاشی به کار گرفته شده‌است. اما موضوعات نقاشی از زندگی ساده مناطق کردنشین و طبیعت گروستان و پرتله شخصیت‌های بارز گرد سر چشمه می‌گرفت، و سبک کارهای‌شان غالباً رئالیستی بود.» (رسول، ۲۰۱۰: ۴۱۱).

از هنرمندان نقاش شهر دهوک نیز می‌توان به قدری حیران، هنرمند و نقاش (۱۹۳۲-؟)، اشاره کرد که در سال ۱۹۵۶ از دانشکده هنرهای زیبای بغداد فارغ التحصیل شده است. او نیز در آثار هنری خود از سبک رئالیسم پیروی کرده‌است. در سال ۱۹۶۶ دانشجوی گرد به نام علی جولا هنرمند و نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۴۰)، از دانشکده هنرهای زیبای بغداد دانش آموخته شد. او ابتدا در کارهای هنری خود سبک اکسپرسیونیسم (Expressionism) را در پیش گرفته و موضوعاتی از قبیل عاطفه و جهان مادری و کوچ مسائل اجتماعی را برای نقاشی برمی‌گزید. اما در دهه هشتم و نهم، سبک کارش تغییر یافت و به سبک کوبیسم (Cubism)، تحلیلی روی آورد (همان).

از سال ۲۰۰۰ میلادی نیز در آثار وی سبک آبستراکت اکسپرسیونیسم (Abstract Expressionis) بیشتر به چشم می‌خورد. در ابتدای دهه هفتم، گروه دیگری از دانشجویان گرد از دانشکده هنرهای زیبای بغداد دانش آموخته شدند، از جمله: لاله عبده هنرمند و نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۴۷) که در سال ۱۹۷۱ و سمکو توفیق، هنرمند و نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۴۹) که در سال ۱۹۷۱ تحصیل کردند (تصاویر ۸).

همچنین سمکو توفیق از دهه هفتم یعنی پس از مسافرت به ایتالیا به قصد تحصیل در رشته هنر، تاکنون به موضوعاتی چون رویدادهای ملی و تاریخی می‌پردازد و به شیوه رئالیسم و آمیخته با یک تخیل فانتزی ویژه خود نقاشی می‌کشد (تصاویر ۹). اواخر دهه ششم و ابتدای دهه هفتم نیز مرحله جدیدی از هنر مدرن در سلیمانیه به شمار می‌رود. علی کریم هنرمند و نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۴۸) می‌گوید: «در باره تحولات هنر مدرن در سال‌های آخر دهه ششم و ابتدای دهه هفتم در شهر سلیمانیه، گفت‌وگوهای بسیاری در میان بنده و هنرمندان عطا قزاز هنرمند و نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۴۵)، و قادر میر خان، هنرمند و نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۵۲)، صورت گرفت که این گفت‌وگوها به نوشتن چندین مقاله در روزنامه‌های ژین و هاوکاری منتهی شد» (شاربازی، ۱۹۷۲: ۸). در همین سال‌ها بود که هنرمند نقاش اسماعیل خیاط، هنرمند نقاش شهر سلیمانیه، متولد (۱۹۴۴)، به شهر سلیمانیه آمد. او سبک هنری خاصی داشت و تا سال ۱۹۸۰ به اوج مهارت در به کارگیری از روش سیاه و سفید خود رسید.

نقطه عطف تحول در هنر نقاشی مدرن در گروستان را می‌توان در دوران تحصیلات هنرمندانی چون سروت انور سوز نقاش و گرافیکست (۱۹۴۵-۲۰۰۴)، از سلیمانیه و قرنی جمیل نقاش معروف، متولد (۱۹۵۴)، از شهر اربیل از دانشکده هنرهای زیبای بغداد و در رشته‌های چاپ دستی و نقاشی در سال ۱۹۷۷ دانست. پس از آنان نیز هنرمند رمزی قطب الدین هنرمند و گرافیکست، متولد (۱۹۵۵)، در رشته چاپ دستی تحصیلات را شروع نمود. از سرآمدان نقاشی مدرن در شهر اربیل نیز نامیق علی قادر هنرمند و نقاش شهر اربیل، متولد (۱۹۵۴) است. نخستین نقاشی‌های او سیاه و سفید و غالباً به سبک اکسپرسیونیسم است. وی در آثار بعدی به سبک خاص خود رسیده بود. هم‌زمان با وی، حمید جمال هنرمند و نقاش شهر اربیل، متولد (۱۹۴۵)، از هنرمندان موفق و بارز این دوره هنری است. از شهر دهوک نیز عبدالرحمن وحید کلهو هنرمند و نقاش شهر دهوک، متولد (۱۹۵۶)، در سال ۱۹۸۰ از دانشکده هنرهای زیبای بغداد دانش آموخته شد. آثار این هنرمند از نظر حرکت و رنگ آمیزی تحت تأثیر مینیاتور ایرانی است (رسول، ۲۰۱۰).

تلاش‌های این هنرمندان باعث شد که هنر نقاشی در گروستان، مرحله جدیدی از شکوفایی را سپری کند و چندین نسل از دانشجویان رشته نقاشی به دانشگاه بغداد بروند. تعداد دیگری از هنرمندان گرد نیز برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفتند و به تدریج توانستند یک هنر نقاشی اصیل کردی معاصر را به وجود بیاورند.

سبک هنر نقاشی آکادمیک و مدرن در اقلیم کردستان

در نیمه دوم قرن بیستم هنر نقاشی آکادمیک از دو راه وارد آثار هنرمندان اقلیم کردستان شد؛ ابتدا از طریق کار هنرمندان کردی که خارج از کشور و در اروپا تحصیل می-کردند یا تحصیل کرده بودند، و دوم از طریق آثار هنرمندانی که در کشور عراق و در شهر بغداد در هنر نقاشی تحصیل می-کردند.

الف: هنرمندان خارج از کشور

جنبش هنری نقاشی کردی در سال-های ۱۹۵۰-۱۹۶۰ در اروپا و آمریکا آغاز شد. حتی در سال-های اخیر و تا امروز هم این حرکت هنری به شکل تکامل-یافته-تری ادامه دارد. هنرمند حسن فلاح یکی از هنرمندان نقاش است که قبل از هنرمندان دیگر گرد، در یک کشور خارجی ساکن شده و به زندگی در غربت ادامه می-دهد، در سال ۱۹۱۴ در کویت و در سال ۱۹۴۹ در تهران سکونت گزیده و پس از آن آواره روسیه شده و در کشورهای دیگری نیز فعالیت هنری داشته و در چندین مجله عربی کار کرده است. این هنرمند که در کشورهای اروپایی تراکتور را دیده بود، در بازگشت به کردستان و پیش از این که تراکتور وارد کردستان شود، نقاشی تراکتور در زمین های کشاورزی را کشیده است (پیربال، ۲۰۰۸).

در همین راستا «همان طور که از گذشته تا امروز نویسندگان و روشنفکران کرد بسیار زیادی در خارج از عراق و اقلیم کردستان زندگی می-کنند (که یک ادبیات کردی خارج از وطن را پدید آورده اند)، همانگونه نقاشان کرد نیز یک هنر نقاشی کردی خارج از کشور را به وجود آورده اند که در هوایی غیر از وطن خود نفس می-کشد و در حال رشد است» (پیربال، ۱۹۹۵: ۲۸۳-۲۸۰).

عزیز سلیم از دیگر هنرمندان معاصر کردستان است که در سال ۱۹۴۹ به اروپا می-رود و در فرانسه و در شهر پاریس می-ماند. از همان-جا با نقاش مشهور جهانی پابلو پیکاسو (Pablo Ruiz Picassو) و مکاتب جدید هنری مثل کوبیسم (Cubism) و رئالیسم (Realism) آشنا می-شود. در آخر زمستان همان سال در پاریس و در یک هتل با ۳۶ آثار نقاشی یک نمایشگاه ۱۰-روزه برگزار می-کند. وزیر امور اقتصاد و دارایی کشور فرانسه میسورینی (Misurini) یکی از نقاشی-هایش به نام (مرده-ها حرف می-زنند) را از او می-خرد. در همان زمان، یکی از آثارش به نام (شمشیربازی زنان) در موزه لوور به نمایش گذاشته می-شود که تا امروز نیز در این موزه نگهداری می-شود. هنرمند عزیز سلیم تا سال ۱۹۵۶ در اروپا می-ماند. در این مدت چندین نمایشگاه در کشورهای فرانسه، ایتالیا، چکسلواکی، یوگسلاوی، انگلستان و اتریش برگزار می-کند. امضای او با عنوان (Kurdish Art) به همراه نامش در زیر همه تابلوهایش نقش بسته است. بعد از آن در اواخر عمرش «یعنی سال-های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ را در کشور فنلاند به سر می-برد و چندین فعالیت هنری را در آن کشور انجام می-دهد» (پیربال، ۱۹۹۸).

هنرمند آزاد شوقی در سال ۱۹۵۷ از راه بورسیه وزارت عمران کشور عراق برای تحصیل در رشته نقاشی و نگارگری به ژاپن سفر می-کند. این سفر مسلماً بر آثارش تأثیر داشته است. پس از آن در سال ۱۹۵۸ هنرمند جواد رسول ناجی، به عنوان سفیر به همراه هنرمندان محمد عارف هنرمند و نقاش شهر اربیل (۱۹۳۷-۲۰۰۹). و سلیمان شاکر به وین فرستاده شدند. هنرمند دیگر خالد سعید که زاده شهر سلیمانیه است، در سال-های «۱۹۵۸ تا ۱۹۶۳ از راه بورسیه در کشور ایتالیا تحصیل می-کند و در آن کشور چندین فعالیت هنری کردی انجام می-دهد. پس از بازگشت به کشور در سال ۱۹۶۳ به عنوان طراح صحنه در صدا و سیمای بغداد استخدام می-شود. مسلماً تحصیل در رشته نقاشی در ایتالیا بر آثارش تأثیر گذاشته است» (همان: ۴۸).

بدین گونه تأثیرات جنبش هنر نقاشی غرب و اروپا در سال-های ۱۹۲۰ به بعد و به ویژه از ۱۹۵۰ به بعد، در آثار هنرمندان کردستان دیده می-شود. اما این امر باعث نشده که اصالت قومی و بومی هنر کردستان از بین برود، بلکه این مؤلفه در کارهای عزیز سلیم و خالد سعید به وضوح دیده می-شود.

در سال‌های ۱۹۶۰ به بعد نیز، چندین نقاش گرد، گردستان را ترک کرده و به کشورهای اروپایی و آمریکا رفته‌اند. یکی از آنان «دکتر عبدول امین چمچمالی (هنرمند و پزشک و نویسنده شهر سلیمانیه) است که در سال ۱۹۶۳ از کرکوک به آلمان شرقی مهاجرت می‌کند. آن‌جا تحصیل در دانشگاه را ادامه می‌دهد و موفق به اخذ مدرک دکتری در رشته پزشکی می‌شود. او یکی از بنیان‌گذاران گروه هنرمندان کرکوک در سال ۱۹۵۳ در آلمان شرقی بوده که از هنر اروپایی استفاده می‌کند و چندین فعالیت در رشته خود انجام می‌دهد» (زنگنه، ۱۹۹۸: ۸۸-۸۵).

هنرمند مفید حسین کسره پس از کسب دیپلم هنرهای تجسمی از هنرستان هنرهای زیبای بغداد در سال ۱۹۶۰، برای ادامه تحصیل در رشته نقاشی به کشور چکسلواکی سفر می‌کند و در سال ۱۹۶۹ مدرک کارشناسی هنرهای تجسمی خود را از دانشگاه پراگ چکسلواکی دریافت می‌کند. مفید حسن کسره در مدت هفت سال که در چکسلواکی اقامت داشته‌است چندین نمایشگاه هنری برگزار کرده و فعالیت‌های گوناگونی انجام داده و توانسته‌است هنر رسمی گردستان را به اروپا معرفی کند و در این میان از سبک و تکنیک هنرهای معاصر غرب بهره زیادی برده‌است (شاکر، ۱۹۹۸).

از دیگر هنرمندان معاصر گردستان که از هنر مدرن بیگانه بهره گرفته و آن را به گردستان منتقل کرده‌اند، هنرمند محمد عارف است. «محمد عارف در همان زمان برای ادامه تحصیل در رشته نقاشی به مسکو سفر می‌کند. در آن‌جا با سبک‌های رئالیسم و رئالیسم سوسیالیستی (Socialist Realism) و امپرسیونیسم (Impressionnisme) آشنا می‌شود که این آشنایی تا اواخر زندگی در آثارش نمود داشت. در سال‌های ۱۹۶۱-۱۹۶۷ سه نمایشگاه اختصاصی در اتحاد جماهیر شوروی برگزار می‌کند. در سال ۱۹۶۷ نیز مدرک کارشناسی ارشد را با نمره عالی از آکادمی مسکو دریافت می‌کند» (کامل، ۱۹۸۸: ۲۱۰-۱۹۹).

در شهر سلیمانیه نیز، در سال‌های ۱۹۶۴-۱۹۶۵ سه هنرمند کردستانی سردار زوهدی هنرمند و نقاش و نویسنده و طاهر ابراهیم هنرمند و نقاش، و نوری اسماعیل هنرمند و نقاش، به کشورهای فرانسه و آمریکا سفر می‌کنند. در میان آنان سردار زوهدی در سال ۱۹۶۶ از طریق بورسیه در دانشگاه بوز آر، در رشته نقاشی و مجسمه‌سازی مشغول به تحصیل می‌شود. تأثیر سبک‌های معاصر فرانسه و آمریکا تا امروز هم در آثار هنری وی به وضوح دیده می‌شود (زوهدی، ۱۹۸۸).

در سال ۱۹۷۰ تعداد دیگری از هنرمندان نقاش گرد به کشورهای مختلف آمریکا و اروپا سفر می‌کنند که برجسته‌ترین آن‌ها هنرمند جمال بختیار است که توانسته تا به امروز اصالت خود را در آمریکا حفظ کند. با آغاز جنگ ایران و عراق از سال ۱۹۸۰ به بعد نقاشان گرد بسیاری کشور را ترک و به کشورهای آمریکا و اروپا مهاجرت کردند، از میان آن‌ها می‌توان به قرنی جمیل (ارییل)، لاله عبده (سلیمانیه)، سمکو توفیق (سلیمانیه)، آزاد احمد (ارییل)، عبدالله رسول (سلیمانیه)، مدحت کاکه-ای (کرکوک) و ده‌ها هنرمند دیگر اشاره کرد. بنابراین، نویسندگان گردستان در آمریکا و اروپا تنها نیستند، بلکه نسل هنرمندان نقاش گردستان نیز در عرصه هنر گردی در خارج از کشور فعال‌اند که البته هنر مدرن غرب بر آثار این هنرمندان اثر گذاشته و روزه‌های فراوانی به وجود آورده‌است تا هنر مدرن غرب وارد عرصه هنر اقلیم گردستان عراق شود. این هنرمندان از راه سفر به کشورهای اروپایی و آمریکایی با هنر مدرن غرب آشنایی پیدا کرده‌اند و آثار هنری خود را به سبک‌های مختلف هنر نقاشی مدرن خلق می‌کنند و از طریق برگزاری نمایشگاه در شهرهای مختلف گردستان تأثیرات این هنر جهانی را به گردستان منتقل کرده‌اند.

ب: هنرمندان داخل کشور

در نیمه دوم قرن بیستم هنرمندانی که در شهر بغداد تحصیل در رشته‌های هنری را ادامه می‌دادند، هنر نقاشی آکادمیک و به‌ویژه مدرن را به عرصه هنر نقاشی گردستان انتقال دادند. هنر در بغداد به عنوان یک شهر قدیمی و پایتخت کشور عراق، از سابقه تاریخی طولانی برخوردار بود. پیش از تشکیل کشور جدید عراق در سال ۱۹۲۱، این سرزمین بخشی از قلمرو امپراطوری عثمانی به‌شمار می‌آمد. نخستین

آشنایی عراقی-ها با هنر اروپایی نیز به نحوی با سیاست-های فرهنگی حکومت عثمانی ارتباط داشت. از دیرباز، تعلیم طراحی و نقاشی در ارتش عثمانی مرسوم بود و به همین سبب، افسران عراقی آموزش-دیده در استانبول نخستین کسانی بودند که نقاشی رنگ روغن به روش آکادمیک را در کشور خود رواج دادند. در سال ۱۹۳۰، دولت عراق گروهی از نقاشان را برای ادامه تحصیل به اروپا فرستاد. پس از آغاز جنگ جهانی دوم (۱۹۳۹)، آنان به وطن بازگشتند و در هنرکده‌ای که تازه در بغداد تأسیس شده بود، به تدریس پرداختند (سعید، ۲۰۱۰). در همین سال-ها، نخستین انجمن هنری به همت هنرمندانی عراقی چون فائق حسن هنرمند و نقاش معروف عراقی (۱۹۱۴-۱۹۹۲)، جواد سلیم هنرمند و مجسمه سازی عراقی (۱۹۱۹-۱۹۶۱)، حافظ دوربی هنرمند و نقاش معروف عراقی، و چند نقاش و مجسمه-ساز و معمار دیگر شکل گرفت. در آن زمان افق دید آنان از هنر آکادمیک اروپایی فراتر نمی-رفت. اما طی دوران جنگ، شماری از افسران لهستانی همراه نیروهای متفقین به بغداد آمدند و در میان آنان نقاشانی بودند که هنرمندان عراقی را با امپرسیونیسم و پست-امپرسیونیسم (Postimpressionnisme) آشنا کردند. دیری نگذشت که چند گروه هنری تشکیل شدند و شروع به فعالیت کردند. درواقع، جنبش نوگرایی در عراق، پس از جنگ جهانی دوم با فعالیت این گروه-ها و تلاش چند هنرمند مستقل پا گرفت.

نخستین گروه هنری با عنوان انجمن بدویان در سال (۱۹۵۰) تشکیل شد. بعدها همین گروه نامش را به «پیشگامان» تغییر داد. رهبر آنان هنرمند نقاش مشهور فائق حسن بود که در مدرسه هنرهای زیبای پاریس هنر آموخته و در بغداد تحت تأثیر افسران هنرمند لهستانی به درک تازه-ای از نقاشی رسیده بود و سپس پیروی از سبک-های مدرن را آغاز کرد (فلوید، بی تا).

گروه هنری دوم با عنوان گروه (هنر نوین بغداد) به رهبری جواد سلیم پدید آمد (۱۹۵۱). این گروه مسئله هویت فرهنگی را به طور جدی به میان کشید. حافظ دوربی نیز سومین گروه هنری را با نام (امپرسیونیست-ها) در سال (۱۹۵۳) تأسیس کرد. در سال ۱۹۶۰، حکومت یک هنرستان عالی در بغداد تأسیس کرد که بعدها به آکادمی هنرهای زیبا تبدیل شد و اکنون دانشکده هنرهای زیبا نام دارد (الهجول، ۲۰۰۸). بدین ترتیب، هنرمندان اقلیم کردستان وارد هنرکده بغداد و آکادمی هنرهای زیبای بغداد شدند و از راه تحصیل با هنر نقاشی آکادمیک آشنایی پیدا کردند.

از هنرمندانی که در رشته نقاشی در بغداد تحصیل کردند بدیع باباجان از شهر کرکوک بود که در سال ۱۹۴۵ وارد هنرهای زیبا بغداد شد. محمد عارف نیز از شهر اربیل در سال ۱۹۵۱ وارد هنرکده هنرهای زیبای بغداد شد و بعد از آن برای ادامه تحصیل به روسیه مهاجرت کرد (سعید، ۲۰۱۲). آزاد شوقی از شهر اربیل نیز در سال ۱۹۵۱ وارد هنرکده هنرهای زیبای بغداد شد (سعید، ۲۰۱۱). علی جولا از شهر سلیمانیه در سال ۱۹۶۱ وارد دانشکده هنرهای زیبای بغداد شد و علی کریم، ابتدا در سال ۱۹۵۰ وارد هنرکده هنرهای زیبای بغداد می-شود و پس از آن به دانشکده هنرهای زیبای بغداد می-رود (سعید، ۲۰۱۳). این هنرمندان در پی تحصیل در رشته نقاشی در شهر بغداد با سبک-های مختلف هنر نقاشی آشنا می-شوند و در کارهای خود از سبک‌های جدید بهره می-گیرند. این هنرمندان به شیوه‌های مختلف از هنر مدرن تأثیر می-پذیرند و مکاتب هنر نقاشی مدرن را در کارهای هنری خود دنبال می-کنند (تصاویر ۱۰). آنها پیش‌گامان هنرمندان معاصر اقلیم کردستان عراق هستند که در آثارشان گرایش-های مختلف هنر مدرن دیده می-شود.

بعد از این هنرمندان چند دانشجوی دیگر به منظور تحصیل در رشته نقاشی وارد دانشکده هنرهای زیبای بغداد می-شوند که با عنوان نسل دوم دانشجویان گرد رشته نقاشی در دانشکده هنرهای زیبای بغداد شناخته می-شوند. چند هنرمند گرد که از دانشکده هنرهای زیبای بغداد دانش آموخته شده بودند به کردستان برگشتند و هنر مدرن را به عنوان تحفه-ای ارزشمند برای هنر نقاشی کردستان آوردند. از جمله این هنرمندان می‌توان به سروت سوز، مدحت کاکه-ای، قره‌نی جمیل، رمزی قطب-الدین و جزا فریق اشاره کرد. یکی از هنرمندان گردی که بدون تحصیل در مؤسسات هنری، نقاشی مدرن را دنبال کرده و هنر مدرن را نیمه دوم قرن بیستم ادامه داد، اسماعیل خیاط است (رسول، ۲۰۱۰).

به طور کلی دو دسته از هنرمندان یعنی آنان که خارج از اقلیم بودند و آنان که در داخل حضور داشتند، به طور مستقیم هنر نقاشی

آکادمیک را وارد عرصه نقاشی کردستان کرده-اند و این دو دسته از هنرمندان به علت آشنایی با سبک‌های مختلف هنر نقاشی و به‌کارگیری این سبک-ها، نقاشی آکادمیک و مدرن را به هنر کردستان عراق معرفی نمودند.

این هنرمندان پس از تحصیل در دانشکده هنرهای زیبای بغداد، به کردستان بازگشتند و در شهرهای کردستان ابتدا هنرکده و سپس دانشکده هنرهای زیبا را بنیاد نهادند که از جمله می‌توان به هنرکده هنرهای زیبای سلیمانیه در سال ۱۹۸۰، هنرکده هنرهای زیبای اربیل و پس از آن دانشکده هنرهای زیبای سلیمانیه، دانشکده هنرهای زیبای اربیل، دانشکده هنرهای زیبای دهوک و چندین هنرکده دیگر نقاشی و هنری در شهرهای مختلف کردستان اشاره کرد (رشید امین، ۱۳۹۲).

در آثار هنرمندان نقاش اقلیم کردستان، اگرچه از تمام مکاتب نقاشی آکادمیک و مدرن پیروی شده است، سبک آبستره (انتزاعی) (Abstract) از گستردگی بیشتری نسبت به سبک‌های دیگر برخوردار است و بیشتر هنرمندان اقلیم کردستان از سبک آبستره و آبستره انتزاعی پیروی می‌کنند.

کردستان تنوع جغرافیایی فراوانی دارد و سرزمینی باصفا و دل‌نشین با مناظر طبیعی و چشم‌نوازی چون درختان و گیاهان رنگارنگ، برف، چشمه، دشت و دریا است و به همین دلیل از زمان‌های گذشته این طیف گسترده از رنگ‌ها با تخیل اهالی این منطقه عجین شده و بر روحیه آنان تأثیرگذار بوده است (کاکه-ای، ۲۰۰۵). بنابراین در آثار هنرمندان نقاش کردستان رنگ‌های طبیعت کردستان به وفور دیده می‌شود. همچنین رنگ‌های به‌کار رفته در صنایع دستی و دست‌بافته‌های سنتی روی آثار آنان تأثیر گذاشته است که می‌توان در بیشتر آثار نقاشی، رنگ‌های اصیل موجود در کردستان را مشاهده کرد (تصاویر ۱۱).

دهه هشتم تا نهم، عصر رشد و شکوفایی نقاشی مدرن در کردستان است. در همین سال‌ها بود که تعداد دیگری از دانشجویان گرد در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه بغداد فارغ تحصیل شدند. همچنین در این دوره هنرمندان خارج از کشور با مؤسسات هنری در داخل کردستان ارتباط بیشتری پیدا کردند و همین ارتباط تنگاتنگ سبب شد که این سال‌ها سرشار از فعالیت هنری مدرن، به ویژه در سبک‌های اکسپرسیونیسم، کوبیسم، آبستره و سورئالیسم (Surrealism) گرد (رشید امین، ۱۳۹۲). با وجود این، عده‌ای از هنرمندان این اقلیم نیز با سبک‌های شخصی و خاص خود فعالیت می‌کردند. اما نکته قابل توجه و تفاوت آشکار و ریشه‌ای میان هنرمندان گرد و هنرمندان غرب (به‌ویژه در نقاشی مدرن) در آن است که هنرمندان گرد برای برجسته کردن حالت-های ناخودآگاه در اثر، از مواد مخدر استفاده نمی‌کنند، بلکه با یادآوری کودکی و جهان کودکی و بینش سنتی و فولکلوریک دیرین گردی و همچنین تداعی آداب و رسوم سایر ملت‌ها، موضوع و آثار خود را غنا بخشیده‌اند.

هنر نقاشی اقلیم کردستان پس از قیام مردمی در سال ۱۹۹۱

(در بهار سال ۱۹۹۱ میلادی پس از حمله عراق به کشور کویت، مردم کردستان یک قیام مردمی علیه نیروهای مسلح حکومت عراق به راه انداختند، اما پس از کشته و زخمی شدن هزار نفر از گردها، موفق شدند که نیروهای نظامی عراق را از کردستان بیرون کنند و یک حکومت خود مختار تشکیل دهند. از آن زمان تاکنون خود گردها کردستان را از لحاظ سیاسی مدیریت می‌کنند). بعد از آن قیام در کردستان سالن-های هنری و گالری-هایی در پی پیشرفت حرکت هنری مدرن تأسیس شدند، از جمله گالری کلات که در سال ۱۹۹۴ در شهر سلیمانیه آغاز به کار کرد و به مدت دو سال نمایش‌های هنری در این گالری صورت گرفته است؛ گالری سالار که در تاریخ ۱۹۹۵/۱۲/۱ در محله چوار باخ شهر سلیمانیه، تأسیس شد و به مدت دو سال آثار هنری را به نمایش گذاشت؛ گالری زاموا که در سال ۱۹۹۵ در محله اسحابه سپی شهر سلیمانیه افتتاح شد و تاکنون یکی از گالری-های معروف شهر سلیمانیه است؛ و بالاخره گالری اربیل در شهر اربیل که در سال ۱۹۹۵ افتتاح شد و به مدت سه سال فعالیت داشت. علاوه بر این‌ها، گالری-های دیگری نیز تأسیس شدند، از جمله: گالری سلیمانیه در محله (ده بوکه) در شهر سلیمانیه که از سال ۱۹۹۵ تا سال ۱۹۹۸ فعالیت داشت، گالری دهوک که از سال ۱۹۹۸ تاکنون

به فعالیت خود ادامه داده است، گالری میدیا در شهر هولیر که از سال ۱۹۹۹ تاکنون فعال است. همچنین بخشی از ساختمان (نهمه سوره که) لازم به ذکر است که (این ساختمان در دوره فرمانروایی دولت عراق (بعث) در سلیمانیه، یکی از وحشتناک-ترین زندان-های بعث بود که بیشترین زندانیان آنجا اعدام می-شدند، از سال ۲۰۰۲ تاکنون یکی از سالن-های این ساختمان به عنوان گالری برای هنر نقاشی استفاده می-شود). گالری آرام در سال ۲۰۰۴ در شهر سلیمانیه افتتاح شد و فعالیت آن تاکنون ادامه دارد. گالری کویه در سال ۲۰۰۴ در شهرستان کویه افتتاح شد و فعالیت آن تاکنون ادامه دارد. در گالری سهردهم در سال ۲۰۰۶ افتتاح شد و فعالیت آن تاکنون ادامه دارد. گالری روز در سال ۲۰۰۷ در محله سید آوا در شهر اربیل افتتاح شد و فعالیت آن تاکنون ادامه دارد. سپس گالری های متعدد دیگری در شهرستان های مختلف تأسیس شد، از جمله گالری حلبچه در شهر حلبچه در سال ۲۰۱۰. گالری رانیه در شهرستان رانیه و... (رسول، وهبی ۲۰۱۰).

با رشد و توسعه فعالیت های هنری در اقلیم کردستان، تشکیل گروه ها و انجمن های نقاشی رونق یافت و در نتیجه چندین گروه هنری نقاشی شکل گرفت، از جمله گروه (کومه لی هه شت: جمعیت شماره هشت) که در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد و اعضای آن عبارت بودند از هنرمندان: هاوری انور، بختیار مصطفی قه-فتان، آراس حمه حسین، کمال علی، خسرو حسین، محمد فتاح، سوعاد ستار، که بیشتر از سبک سورئالیسم پیروی می-کردند (قه-فتان، ۲۰۰۰).

همچنین گروه (هاوریانی شیوه-کار: دوستان نقاش) در سال ۱۹۹۳ تشکیل شد و هنرمندان سامان کریم، سالار مجید، وهبی رسول، جزا بکر، مریوان جلال، آزاد ساییر، آکو احمد حمه-ره-ش و تعداد دیگری از هنرمندان عضو آن بودند. بیشتر این هنرمندان در کنار سبک شخصی خود، سبک ابستراکت اکسپرسیونیسم را دنبال می-کردند (رسول، ۱۹۹۲).

نکته مهم این است که در دهه (۱۹۹۰) در پی بحران-های اقتصادی کشور عراق و اقلیم کردستان، و جنگ های داخلی احزاب اقلیم، هنر دچار رکود می-شود و بیشتر هنرمندان از کار هنری فاصله می-گیرند و سختی زندگی و گرانی باعث می-شود تا هنرمندان به جای اهتمام به هنر نقاشی در اندیشه گذران زندگی باشند. اگرچه در این دهه تعداد هنرمندان بیشتر از هنرمندان دهه های قبل بود، هنر نقاشی پیشرفت چندانی نکرد.

اما گفتنی است پس از خاتمه بحران-اقتصادی کشور عراق و اقلیم کردستان، و پایان جنگ های داخلی احزاب در اقلیم کردستان یعنی از سال ۲۰۰۰ میلادی به بعد، رشد و توسعه فرهنگی و هنری در اقلیم رو به افزایش یافت، و برای بنیاد نهادن موزه معاصر هنری و کاخ هنر در سلیمانیه تلاش-هایی صورت گرفت و در سال ۲۰۰۳ شماره اول مجله هنرهای تجسمی با نام (مجله شیوه کاری: هنرهای تجسمی به زبان گردی منتشر شد. علاوه-بر این-ها، گسترش جنبش هنر مدرن باعث شد برای تشکیل مؤسسات هنری در تمام کردستان اهتمام ویژه-ای صورت گیرد. بر همین اساس در سال ۱۹۹۸ کالج هنرهای زیبا در دانشگاه سلیمانیه و به تلاش هنرمندانی چون علی جولا، هاوری انور، جزا بکر، بختیار مصطفی، دارا حمه سعید راه-اندازی شد (رسول، ۲۰۱۰). کالج هنرهای زیبا در دانشگاه صلاح-الدین شهر هولیر (اربیل)، هنرکده-های شهر اربیل، شهرستان کویه، شهرستان حلبچه، شهرستان چمچمال، شهرستان رانیه، شهر دهوک و چندین هنرکده دیگر نیز افتتاح شد. همچنین انجمن هنرمندان کردستان، یک انجمن هنری است تأسیس شده که تمام هنرمندان کردستان با دارا بودن شرایط خاصی می توانند عضو این انجمن باشند. این سازمان یک مجله هنری به نام (شاکار) را منتشر می-کند که موضوعات آن شامل مسائل هنری کردستان و جهان است. از این رو، درمی-یابیم که هنر نقاشی اقلیم کردستان از ابتدای قرن بیستم تا نیمه دوم همین قرن یک هنر بومی و غیرآکادمیک است و از نیمه دوم به بعد علاوه بر وجود هنر مردمی و غیرآکادمیک به صورت آکادمیک و غیریومی نیز درآمده و هنرمندان این اقلیم توانسته اند از جنبش های هنری مدرن و معاصر جهان بهره بگیرند.

نتیجه گیری

۱. اقلیم کردستان عراق دارای هنر نقاشی ویژه خود و هنرمندانی است که در طول تاریخ عراق در این زمینه فعالیت داشته‌اند.
۲. در تاریخ هنر نقاشی اقلیم کردستان و به‌ویژه در قرن بیستم دو مرحله هنری مجزا وجود دارد: دوره غیرآکادمیک و مردمی از نیمه اول قرن بیستم (۱۹۰۰-۱۹۵۰)، و دوره آکادمیک از نیمه دوم قرن بیستم (۱۹۵۰-۲۰۰۰). در دوره اول یک فعالیت فردی و بدون پشتیبانی نهادهای دولتی، اما دوره دوم کار گروهی و با پشتیبانی نهادهای دولتی بوده‌است (تأسیس هنرکده و دانشکده‌ها و گالری هنری و گروه و سازمان های هنری). موضوعات نقاشی در دوره اول بیشتر موضوعات روزمرگی و رئالیستی بوده، یعنی موضوع نقاشی‌ها از زندگی ساده در مناطق گردنشین و طبیعت زیبای کردستان و پرتله شخصیت‌های بارز گرد سرچشمه می‌گرفت و سبک کارهای‌شان غالباً رئالیسم بود، اما در دوره دوم بیشتر به سبک‌های مدرن به ویژه سبک انتزاعی پرداخته شده‌است. دوره اول آثار هنری بیشتر در حمام‌های بازاری و قهوه‌خانه و قبرستان و حتی برای تبلیغات بر روی دیوار کاربرد داشته‌است، اما در دوره دوم بیشتر بر روی بوم کار شده‌است، و از سه طریق در این اقلیم جریان یافته‌است، الف: از راه هنرمندان خارج از کشور؛ ب: از راه هنرمندان داخل و تحصیل در بغداد؛ ج: از راه دست‌بافته‌های محلی و سنتی مثل قالی، گلیم و جاجیم و...
۳. عدم وجود گالری‌های هنری مربوط به نقاشی در تمام قرن بیستم تا آغاز دهه نهم و بعد از انقلاب مردمی ۱۹۹۱، که گالری‌های هنری به وجود می‌آید.
۴. امروزه نقاشی اقلیم کردستان عراق با جهان خارج هماهنگ شده و در عین حال اصالت ملی، بومی و سنتی خود را حفظ نموده‌است. هر چند این هنر (به‌ویژه مدرن) تحت تأثیر همه-جانبه هنر کشور عراق و غرب قرار گرفته‌است و از آن-ها الهام می-گیرد، اما توانسته‌است هنر خلاقانه-ای به نام هنر نقاشی اقلیم کردستان را بیافریند که حال و هوای فرهنگی و سنتی گردی را می‌نمایاند.
۵. نقاشان اقلیم کردستان، همچون هنرمندان غربی موضوع و استاتیک را خلق کرده‌اند، هر چند در برخی آثار از موضوعات مستقیم دوری کرده و با قسمت-های اندک و مساحت-های کوچک رنگی، کلیات ویژه-ای را گزارش داده-اند و از این طریق برای برجسته کردن سبک شخصی و خاص خود در آثار هنری خویش به نوعی آزادی و استقلال عمل دست یافته‌اند.
۶. تفاوت آشکار و ریشه-ای میان هنرمندان کرد و هنرمندان غرب (به‌ویژه در نقاشی مدرن) در آن است که هنرمندان گرد برای برجسته کردن حالت-های ناخودآگاه در اثر، از مواد مخدر استفاده نمی-کنند، بلکه با یادآوری کودکی و جهان کودکی و بینش سنتی و فولکلوریک دیرین گردی و همچنین تداعی آداب و رسوم سایر ملت‌ها، موضوع و آثار خود را غنا بخشیده‌اند.
۷. مختلف بودن سبک هنرمندان در خلق اثر، نکته-ای است که هنرمندان کردستان از آن پیروی می-کنند اما در این میان سبک آبسترکت بیشترین پیرو را دارد.
۸. رنگ، موضوع دیگری است که در آثار هنرمندان اهمیت دارد؛ افزایش رنگ و متنوع بودن رنگ-ها در نقاشی-های گرد زیاد است.
۹. رها بودن از پدیده-های مادی و مدرن به شکلی نمایان است و نشانه-های خودی و سنتی در آثار آنان نمایان شده‌است که خاص جهان نقاش و زاده اندیشه اوست.
۱۰. طبق بررسی-های انجام-شده، به-ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، درمی-یابیم که هنر نقاشی اقلیم کردستان تا قیام مردمی ۱۹۹۱ به علت قطع بودن راه-های ارتباط کردستان با هنرمندان و جنبش‌های هنری کشورهای دیگر، کم بودن امکانات تکنولوژی و رسانه، وجود محدودیت-های سیاسی و ارتباطی بین دولت عراق با کشورهای همسایه، کمتر با گرایش-های بیگانه آمیخته شده و اصالت- ملی و فرهنگی در آن بیشتر حفظ شده‌است.
۱۱. در سال ۱۹۹۰ تعداد هنرمندان نقاش رو به افزایش گذاشته و تأثیرپذیری هنر نقاشی مدرن این دهه از جنگ برون-مرزی و جنگ-های داخلی کردستان و بحران-های سیاسی و زندگی سخت مردم به-خوبی حس می-شود.

۱۲. دهه (۱۹۹۰) به علت بحران-های اقتصادی و سیاسی در کشور عراق و جنگ داخلی احزاب کردی در اقلیم کردستان، تمام زمینه های هنری و به ویژه هنر نقاشی، دچار رکود می-شود.

۱۳. در نیمه دوم دهه نهم، بیشتر هنرمندان به علت شرایط سخت زندگی و آشفتگی سیاسی به خارج از کشور مهاجرت کردند، اما مهاجرت این هنرمندان در این دهه در آینده کردستان و پیشرفت هنر نقاشی (بعد از سال های ۲۰۰۰) تأثیر به سزایی داشت. یکی از ناهموارترین و پرفراز و نشیب-ترین دهه-های هنر نقاشی کردستان، دهه ۱۹۹۰-۱۹۹۹ است.

فهرست تصاویر



- تصویر (۱): هنرمند حسین حزن مکریانی، - تصویر (۲): کتاب (وپنه گهری و کوئیک - عکاسی و چاپ دستی)



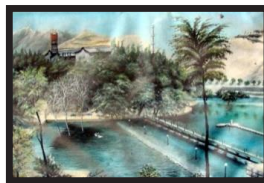
عزیز سلیم

دانیال قصا

- تصاویر (۳): هنرمندان: حسن فلاح،



- تصاویر (۴): تابلوی جنگ دربند بازیان ۱۹۱۹، رنگ روغن روی بوم، اثر هنرمند نقاش (حسن فلاح)



- تصاویر (۵) طبیعت (سرچنار)، نقاش: عزیز سلیم، رنگ روغن روی ام دب اف (۱۹۸۷)، اندازه ۳۲ X ۴۴ سم.



- نقاش: عزیز سلیم، پرتره پیره میرد شاعر، رنگ روغن روی بوم (۱۹۵۸)، اندازه ۷۰ X ۵۰ سم.



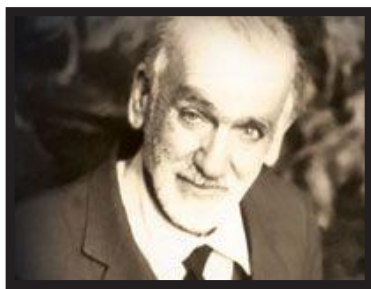
- تصاویر (۶): هنرمند (جمال بختيار) و تعدادی از آثارش:



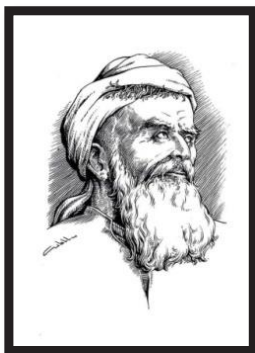
- نقاش: جمال بختيار، دختر سبد به دست، رنگ روغن روی بوم، (۱۹۶۸). - مقبره جدید لیلی، رنگ روغن روی ام دی اف، (۱۹۵۶)



- نقاش: جمال بختيار، مباران شهر قلعه دزی، رنگ روغن روی ام دی اف، (۱۹۷۴). - شیرین نخ می ریسد، رنگ روغن روی بوم، (۱۹۷۲)



- تصاویر (۷): هنرمند (بدیع باباجان) و تعدادی از آثارش:
مواد کاربردی: طراحی روی کاغذ



- طراحی محوی (شاعر)،



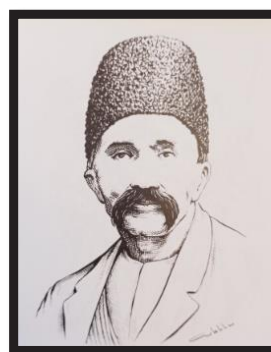
- طراحی سالمی (شاعر)،



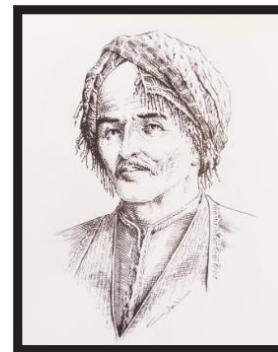
- طراحی ملا احمد جزیری (شاعر)،



- طراحی شرفخان بدلیسی (مورخ)



- طراحی مجدی (شاعر)،



- طراحی ثه ده ب (شاعر)،



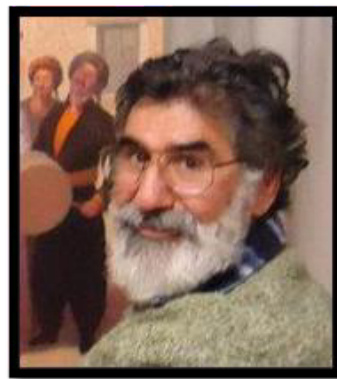
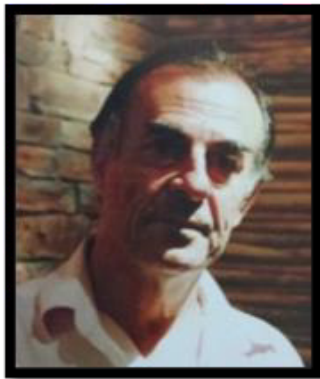
- لوگوی (سازمان جمعیت بازرگانی عراق)



- (سکه)



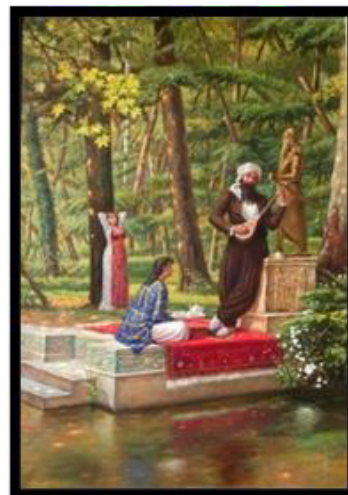
- واحد پول عراق (دینار)،



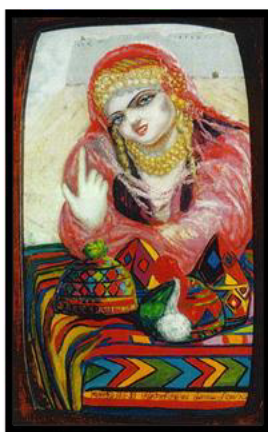
- تصاویر (٨): هنرمندان: سمکو توفیق، - (علی جولا) - (لاله عبده)



- تصاویر (٩): مجموعه آثار هنرمند نقاش سمکو توفیق، رنگ روغن روی بوم



- نقاش: سمکو توفیق، رنگ روغن روی بوم. - نقاش: سمکو توفیق، رنگ روغن روی بوم



- تصاویر (۱۰) آثار هنرمند نقاش: محمد عارف ۱۹۸۹، زیبایی سنت، رنگ روغن روی بوم، اندازه ۷۵ X ۴۵ سم.



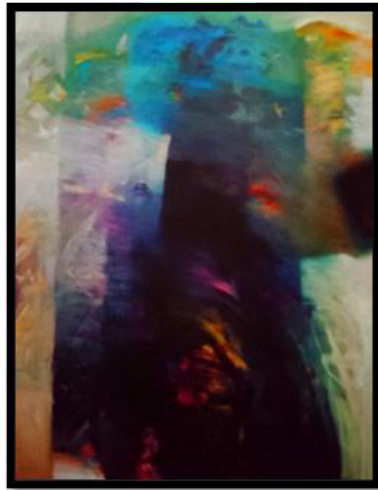
- نقاش: محمد عارف، باز گشت اسب های بدون سوار، رنگ روغن روی بوم، (۲۰۰۲)، اندازه ۸۰ X ۱۰۰ سم.



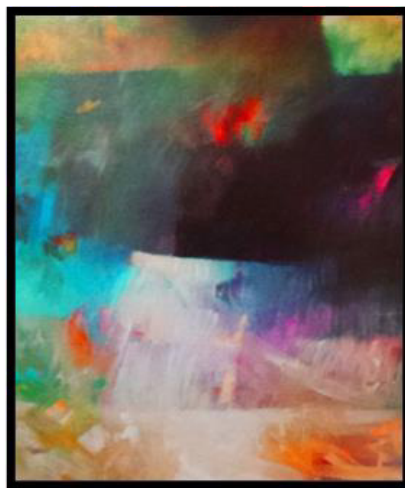
- نقاش: محمد عارف، میعاد، رنگ روغن روی بوم، (۲۰۰۳)، اندازه ۴۵ X ۳۵ سم



- نقاش: محمد عارف، میعاد سوار، رنگ روغن روی بوم، (۱۹۹۸)، اندازه ۴۰ X ۴۰ سم



- تصاویر (۱۱)، نقاش: لاله عبده، مردم و شعر، رنگ روغن روی بوم، (۱۹۸۹)، اندازه ۸۰ X ۱۰۰ سم،



- نقاش: لاله عبده، اندکی پرتو، رنگ روغن روی بوم، (۱۹۸۹)، اندازه ۸۰ X ۱۰۰ سم،



- نقاش: لاله عبده، تبعید و قتل عام بزرگ، رنگ روغن روی بوم، (۱۹۷۲)، اندازه ۸۰ X ۱۰۰ سم،

فهرست منابع

منابع کتابی

- پیربال، فرهاد. (۲۰۰۶)، تاریخ هنرهای تجسمی در اقلیم کردستان در قدیم الایام الی دهه پنجم، انتشارات میرگ، مجله هنرهای تجسمی، اربیل.
- پیربال، فرهاد، (۱۹۹۵)، کرد و رنگ، مجله یگرتن، شماره ۱۷، اربیل.
- پیربال، فرهاد، (۲۰۰۸)، هنر نقاشی کردی خارج از کشور، مجله شاکار، شماره ۳۵، سازمان هنرمندان کردستان، سلیمانیه.
- پیربال، فرهاد، (۲۰۰۷)، کرنولوژیک‌های مدرن تجسمی در اربیل، مجله شاکار، شماره ۲۹، سازمان هنرمندان کردستان، سلیمانیه.
- پیرداد، جابیر، (۱۹۹۷)، نقاشی در اربیل، مجله رامن، شماره ۱۸، اربیل.
- رسول، وهبی، (۲۰۱۰)، آبستره اکسپرسیونیسم در نقاشی معاصر اقلیم کردستان عراق، چاپ اول، انتشارات شوان، سلیمانیه.
- رسول، وهبی، (۲۰۰۶)، تاریخ هنر نقاشی در اقلیم کردستان و در جهان، چاپ اول، انتشارات سردم، سلیمانیه.
- رسول، وهبی، (۲۰۱۳)، جدال شناسه‌ها، انتشارات پیره مرد، چاپ اول، سلیمانیه.
- رسول، وهبی، (۲۰۰۹)، ۵۰ هنرمند در زمینه هنرهای تجسمی، چاپ اول، انتشارات؟، سلیمانیه.
- رسول، وهبی، (۱۹۹۲)، دوستان نقاش در برابر احتمال تجزیه گرایی، مجله رامن، شماره ۳۱، اربیل.
- رسول، وهبی. (۲۰۰۵)، حامد آمیدی، آخرین خوشنویس پیرگرد، مجله شاکار، شماره ۲۱، سازمان هنرمندان کردستان، سلیمانیه.
- رسول، وهبی (۱۹۹۵)، علی کریم، یک توانایی هنری در سکوت، مجله هنرهای تجسمی، شماره ۹، انتشارات میرگ، اربیل.
- رشید امین، کوسار (۱۳۹۲)، بررسی و تحلیل گرایش های هنر مدرن در آثار نقاشان معاصر اقلیم کردستان عراق (۱۹۸۰ - ۲۰۱۰)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده هنرهای تجسمی، گروه نقاشی، تهران.
- زنگنه، مصطفی (۱۹۹۸)، «د. عبدولی امین»، مجله هاوار کرکوک، شماره ۱، کرکوک.
- سردار، زوهدی (۱۹۹۸)، چاو پیکه وتن-دیدن و مصاحبه، مجله ئیستا، شماره ۱۵، سلیمانیه.
- سعید، بختیار، (۲۰۱۰)، بدیع باباجان، چاپ اول، انتشارات جمال عرفان، سلیمانیه.
- سعید، بختیار، (۲۰۱۱)، آزاد شوقی، چاپ اول، انتشارات جمال عرفان، سلیمانیه.
- سعید، بختیار، (۲۰۱۱)، غازی محمد، چاپ اول، انتشارات جمال عرفان، سلیمانیه.
- سعید، بختیار، (۲۰۱۲)، عطا قزاز، چاپ اول، انتشارات جمال عرفان، سلیمانیه.
- شاربازی، علی کریم، (۱۹۷۲)، «دقتی در سومین نمایشگاه سلیمانیه»، مجله هارکاری، شماره ۱۱۷، سلیمانیه.
- شاکر، سلیمان (۱۹۹۸)، شاکر سلیمان، مجله رامن، شماره ۲۹، اربیل.
- کاکه‌ای، هردویل، (۲۰۰۵)، رنگ در فلکلوریک کردی، چاپ اول، انتشارات شوان، سلیمانیه.
- کامل، عادل، (۱۹۸۸)، هنرهای تجسمی معاصر در عراق، چاپ؟، انتشارات الحرية، بغداد.
- غفور، عبدالله (۲۰۱۲)، جغرافیای اقلیم کردستان عراق، چاپ دوم، انتشارات روژهلات، اربیل.
- قادر، ستار (۲۰۰۶)، نقاشی چیست، چاپ اول، انتشارات بزاو روشنیری، سلیمانیه.
- قفتان، بختیار (۲۰۰۰)، شکوفه هنرهای تجسمی نو در سلیمانیه، مجله شاکار، شماره ۶، سلیمانیه.

منابع الکترونی

- پریزاد، امیر (۱۳۹۶)، همه آن چه باید از توافق نامه سایکس پیکو باید بدانیم. برگرفته از لینک:

<http://www.sarzaminjavid.com/Sykes-Picot-Agreement-Amir-Parizad>

- الهجول، محمد (۲۰۰۸) الجماعات الفنیة فی العراق. برگرفته از لینک: <http://www.aghanina.com>

- فلوید، تیفات (بی تا)، فائق حسن. ترجمه: فیفان حمزه، برگرفته از لینک:

<http://www.encyclopedia.mathaf.org.qa>

- نعمتی قزوینی، معصومه، طاهره ایشانی (۱۳۹۲)، بررسی سنجشی مضامین سیاسی اشعار سپیده کاشانی و نازکالملائکه، پژوهشگاه علوم

انسانی و مطالعات فرهنگی سال سوم، شماره سوم. برگرفته از لینک:

<https://webcache.googleusercontent.com> - <https://www.sid.ir>